

ایمان و ادب

مجموعه مقالات تفسیری و انتقادی

دیمیتری گوتاس، استیفن مین، رابرت ویزنوووسکی
دگ نیکولاس هسه و دیگران / گردآوری پیترا دامسون



ترجمه احمد عسگری و همکاران



تمامی پانویست‌ها افزوده مترجمان است و توضیحات نویسندگان در پی نوشت آمده است.

در متن مقالات و پی نوشت‌ها، افزوده نویسندگان داخل **قالب []** و افزوده مترجمان داخل **ابرو { }** آمده است.

نحوه تلفظ نام آثار و اشخاص طبق نظر سرپرست ترجمه است و با شیوه‌نامه ناشر تفاوت دارد.

راهنمای علائم اختصاری ارجاع به آثار ابن سینا:

«م»: مقاله

«ف»: فصل

«ب»: بند

«ن»: نمط

«ص»: صفحه

«س»: سطر

«ج»: جلد

«ش»: شماره



فهرست

۹	مقدمه سرپرست ترجمه
۱۳	مقدمه
۲۳	پیتر آدامسون • ترجمه احمد عسگری
۲۵	پی نوشت ها
۲۵	منابع و مآخذ
۲۷	[۱] زندگی و زمانه ابن سینا: حمایت و تعلیم در قرون وسطای اسلامی
۵۱	دیوید سی. رایزن • ترجمه شایان الهامی خراسانی
۵۱	پی نوشت ها
۵۷	منابع و مآخذ
۵۹	[۲] برنامه فلسفی ابن سینا
۸۵	دیمیتری گوتاس • ترجمه علیرضا محقق
۸۹	پی نوشت ها
۸۹	منابع و مآخذ
۹۳	[۳] قیاس نزد ابن سینا
۱۲۵	تونی استریت • ترجمه علیرضا محقق
۱۲۹	پی نوشت ها
۱۲۹	منابع و مآخذ
۱۳۱	[۴] یقین، توجیه و اصول معرفت در معرفت شناسی ابن سینا
۱۵۷	دبورا ال. بلک • ترجمه امید نوریان
۱۶۳	پی نوشت ها
۱۶۳	منابع و مآخذ
۱۶۷	[۵] خوش بینی معرفت شناختی ابن سینا
۱۸۱	دگ نیکولاس هسه • ترجمه فرهاد تراز
۱۸۱	پی نوشت ها
۱۸۵	منابع و مآخذ
۱۸۷	[۶] اندیشه های غیراستدلالی در شرح ابن سینا بر اثولوجیا
۲۱۱	پیتر آدامسون • ترجمه فرهاد تراز
۲۱۱	پی نوشت ها
۲۱۷	منابع و مآخذ

۲۲۱	[۷] فلسفه طبیعی ابن سینا
	جان مک‌گینیس • ترجمه سینا سالاری خرم
۲۴۷	پی‌نوشت‌ها
۲۵۱	منابع و مآخذ
۲۵۳	[۸] ابن سینا و کاربست طب، معرفت‌شناسی و فیزیولوژی حواس باطنی
	پیترای . پورمن • ترجمه روح‌الله فدایی
۲۷۳	پی‌نوشت‌ها
۲۷۷	منابع و مآخذ
۲۸۱	[۹] الهیات ابن سینا
	استیفن مین • ترجمه احمد عسگری
۳۱۵	پی‌نوشت‌ها
۳۲۷	منابع و مآخذ
۳۳۱	[۱۰] از واجب الوجود تا خدا
	پیتر آدامسون • ترجمه امید نوریان
۳۵۷	پی‌نوشت‌ها
۳۶۱	منابع و مآخذ
۳۶۳	[۱۱] ماهیت وجود در قرن‌های یازدهم و دوازدهم
	در شرق جهان اسلام: طرحی کلی
	رابرت ویزنووسکی • ترجمه یاسر خسروی زاده
۳۸۷	پی‌نوشت‌ها
۳۹۳	منابع و مآخذ
۳۹۷	[۱۲] مواجهه جهان اسلام با ابن سینا
	رابرت ویزنووسکی • ترجمه سینا سالاری خرم
۴۲۵	پی‌نوشت‌ها
۴۲۹	منابع و مآخذ
۴۳۳	[۱۳] مواجهه فرهنگ‌های یهودی با ابن سینا در شرق و غرب
	گد فرویدنتال و مائورو ژنتا • ترجمه ایمان خدافرد
۴۶۵	پی‌نوشت‌ها
۴۷۱	منابع و مآخذ
۴۷۷	[۱۴] مواجهه فرهنگ لاتین قرون وسطا با ابن سینا
	آموس برتولاچی • ترجمه پوران رحیمی
۵۰۷	پی‌نوشت‌ها
۵۱۵	منابع و مآخذ
۵۲۷	نمایه اشخاص و آثار
۵۳۳	نمایه مفاهیم

مقدمه سرپرست ترجمه

در ایران، سنت فلسفی از طریق تدریس و تعلیم برخی کتب فلسفی کلاسیک از قبیل الشفاء والأفسار و عده‌ای از متون دیگر به طور مستمر در جریان بوده است و، بر همین مبنا، دائماً محققین و اساتید بنامی در حوزه فلسفه سنتی داشته‌ایم. این سنت تعلیم و تدریس امکان شناخت و درک بسیار پراهمیتی را از آنچه امروزه تحت عنوان فلسفه اسلامی (یا گاهی فلسفه عربی) خوانده می‌شود در اختیار جامعه ما قرار می‌دهد.^۱ اما در مطالعات آکادمیک و دانشگاهی جدید در غرب نیز حدود یک قرن است که جریان فلسفی در عالم اسلام مورد مطالعه قرار گرفته است. طبعاً منظر مستشرقین و مبادی، اسلوب و اغراض مطالعات غربی تفاوت‌هایی اساسی با روش مطالعه سنتی دارد. درخصوص ارزش و اعتبار این مطالعات

۱. اصطلاح فلسفه اسلامی یا فلسفه عربی اصطلاحی متأخر است. این اصطلاح نخست توسط محققین غربی به کار گرفته شد، اما در سابقه فلسفی ما چنین مفهومی وجود نداشته است. یعنی فلاسفه اسلام فلسفه در دوره اسلامی را به صورت فلسفه‌ای با هویت واحد و مستقل در مقابل فلسفه یونان تصویر نمی‌کردند (برخلاف آنکه می‌بینیم نظام‌های فلسفی را از هم متمایز می‌کردند؛ مثلاً فلسفه مشاء در مقابل فلسفه اشراق). نزد ایشان فلسفه بیشتر هویتی محض داشت که در دوره‌های مختلف نزد فلاسفه مختلف ظهور کرده است. کسانی چون ملاصدرا گاهی اصطلاح فلاسفه الاسلام را ذکر کرده‌اند که باز منظورشان فلاسفه در دوره اسلامی است. به طور کلی، این تعبیر هیچ یک جامع و مانع نیستند و بیشتر به جهت عملی و برای تسهیل تقسیم‌بندی تاریخی و تمدنی به کار می‌آیند. در این مجموعه این اصطلاحات مطابق متن انگلیسی به کار رفته است.

نه به آسانی می‌توان حکم کرد و نه اساساً حکمی واحد دارد، لکن به نظر ما، بدون ملاحظه و مطالعه آثار تحقیقی که در غرب درخصوص فلسفه در عالم اسلام صورت گرفته است، کار فلسفی در حال حاضر چندان مطلوب و مثمر نخواهد بود، زیرا اولاً نیازمند روش‌های فلسفی‌ای هستیم که متناسب با نگاه جدید به فلسفه و تاریخ فلسفه است (مثلاً مطالعات فلسفی جدید غالباً مستلزم نگاه تاریخی است، یعنی یک نظام فلسفی و فیلسوفی خاص در جریان تاریخ فلسفه مورد نظر و ملاحظه قرار می‌گیرد)؛ ثانیاً اذحیث منابع و نسخ و متون، که مبادی تحقیق و تحلیل فلسفی هستند، آن‌ها در وضع بهتری قرار دارند؛ ثالثاً مطالعات ایشان (که مبتنی است بر روش‌های جدید و منابعی که برای ایشان مهیاست) بعضاً اذحیث محتوا قابل اعتنا و روشنگر است.

از میان فلاسفه دوره اسلامی ابن سینا وضعی متمایز دارد، از این جهت که اولاً، علی‌رغم سیطره و غلبه فلسفه ملاصدرا و حکمت متعالیه بر حوزه‌های تدریس فلسفی در ایران، همچنان فلسفه ابن سینا و آرا و آثار وی تعلیم و تدریس می‌شود؛ ثانیاً، در بین فلاسفه دوره اسلامی، ابن سینا در زمره کسانی است که در تحقیقات غربی بیشترین توجه به ایشان بوده است و ادبیات تحقیقی معتنا بهی درخصوص ابن حکیم حاصل است. از این رو، به همراهی و حسن قبول دوستانی از اهل فلسفه قصد آن کردیم که مجموعه‌ای از مقالات درباب ابن سینا را به فارسی ترجمه کنیم و اگر توفیقی حاصل شود مجموعه‌ای درخصوص فارابی و ابن رشد نیز انجام خواهد گرفت.

مجموعه‌ای که ترجمه فارسی آن تقدیم اهل فلسفه می‌شود، دراصل، مشتمل بر دوازده مقاله است که حوزه‌های مختلف تفکر ابن سینا را به بحث گذاشته و به تفسیر و نقد پرداخته و یا گزارشی ارائه کرده است. این مجموعه نه کاملاً تحقیقی است و نه صرفاً گزارش، بلکه تلفیقی از هر دو است. مقالاتی می‌یابیم که جنبه تحقیقی آن غلبه دارد و درواقع مطالعات سینوی را ارتقا داده است. در برخی مقالات، هم گزارشی از حدود موضوع مورد تحقیق و مطالعات مربوط ارائه شده و هم حرفی جدید بیان شده است. همچنین در برخی مقالات جنبه گزارشی غلبه دارد. قابل ذکر است که در ترجمه این مجموعه دو تغییر نسبت به متن انگلیسی اعمال شد. اول آنکه ترتیب مقالات در مواردی تغییر کرد، یعنی مقالات ششم و هفتم (از مجموعه انگلیسی) را بر مقالات چهارم و پنجم مقدم کردیم. ثانیاً دو مقاله نیز بر این مجموعه افزودیم

(مقالات ۶ و ۱۱ در ترجمه حاضر). بدین ترتیب، سیر این مجموعه چنین است: ابتدا حیات، زمانه و برنامه فلسفه ابن سینا بحث شده است و سپس وارد بحث قیاس می‌شویم که بحثی مربوط به صورت استدلال است. لذا، پس از آن، به جای مقالات مربوط به فلسفه طبیعی و طب (مطابق مجموعه انگلیسی)، مقالات مربوط به معرفت‌شناسی را قرار دادیم و آن را با مقاله آدامسون در خصوص تفکر غیراستدلالی تکمیل کردیم. آنگاه مباحث مربوط به فلسفه طبیعی قرار دارد و بعد از آن بحث از الهیات و مابعدالطبیعه آمده است. در این قسمت، مقاله ویزنوسکی در خصوص تاریخ تمایز وجود و ماهیت را افزودیم. در قسمت آخر، در طی سه مقاله، مواجهه با ابن سینا در سه حوزه اسلامی، مسیحی و یهودی بحث شده است.^۱

قضاوت در خصوص محتوای مقالات و نیز کیفیت ترجمه با مطالعان و صاحب‌نظران خواهد بود. مع‌هذا رجا دارم این مجموعه هم مقبول اهل نظر شود و هم برای دانشجویان علاقه‌مند به ابن سینا مفید باشد. با توجه به اینکه از یک طرف مقالات توسط اشخاص مختلف نوشته شده است و از طرفی مترجمین نیز مختلف هستند، قصد نداشتیم تا لحن نشر فارسی را یکدست کنیم. مع‌هذا تلاش شده است، حتی المقدور، در عین حفظ سلاقی مختلف، با اعمال برخی قواعد کلی در ترجمه و ویراستاری، متنی دقیق و در عین حال روان ارائه شود. در این راستا، با مساعی گروه ویراستاری، هم ترجمه با متن اصلی مقابله و تطبیق داده شد و هم اعلام و اصطلاحات هماهنگ و یکدست گردید.

فریضه ذمه خود می‌دانم اولاً از دوستان و عزیزانی که ترجمه مقالات این مجموعه را بی‌مزد و مت‌تعهد کردند و به انجام رسانیدند تقدیر نمایم و ثانیاً سپاسگزاری کنم از ایمان خدافرد، علی کریمی، مهدی گلزاری، مصطفی مقدسی، میلاد اعظمی مرام، و سجاد امیرخانی به جهت مقابله نهایی ترجمه با متن انگلیسی و باز از ایمان خدافرد به جهت ویراستاری صوری و زبانی این مجموعه و نیز از مجموعه انتشارات ترجمان به جهت طبع و نشر اثر. مضاف بر آن، عاجلاً از همه صاحب‌نظران و علاقه‌مندان فلسفه که نظرات خود را بیان کنند و خطاها و سهوهای این ترجمه را متذکر شوند قدردانی می‌نمایم.

احمد عسگری

اسفند ۱۳۹۹ هجری شمسی

۱. بنابر نظر ناشر، ترجمه و نیز ترتیب جدید مقالات به ویراستار مجموعه انگلیسی اطلاع داده شد.



مقدمه

Introduction

پیتر آدامسون
Peter Adamson

ترجمه احمد عسگری

پیتر آدامسون استاد دانشگاه لودویگ مکسیمیلیان مونیخ و کینگز
کالج لندن است؛ از جمله آثار او می‌توان به آثار فلسفی کندی
(*The Philosophical Works of al-Kindi*) اشاره کرد که در سال ۲۰۰۷ و
به همراه پیتر پورمن آن را منتشر کرده است.

ابوعلی سینا را (که در لاتین آویسنا^۱ می خوانند) باید مؤثرترین متفکر دوره قرون وسطا دانست. در فصول این مجموعه، نشان داده شده است که تأثیر او بر فلاسفه و متکلمان مسلمان بی بدیل بوده است. ایشان از پاسخ دادن به ارسطو دست برداشتند و به جای آن به ابن سینا پرداختند. او بر فلسفه یهودی نیز اثری بسیار داشت، اگرچه این تأثیر غالباً بواسطه بوده است. و البته فلاسفه قرون وسطا و دوره تجدید حیات علم و ادب^۲ در سنت مسیحی او را متفکری اساسی محسوب می کردند. مع الوصف، هنوز تحقیقات اساسی نسبتاً زیادی درخصوص این مرد سترگ تاریخ تفکر باقی است که باید به انجام رسد. در این مجموعه، پورمن^۳ این نکته را متذکر شده است که مطالعات درخصوص مساهمت دوران ساز ابن سینا در تاریخ طب همچنان در دوره صباوت به سر می برد. اما از جنبه فلسفی اوضاع اندکی بهتر است. درواقع، تحقیقاتی عالی درخصوص حیات و افکار ابن سینا انجام گرفته است.^۴ مع هذا، از ضروریاتی چون تصحیحات موثق از برخی آثار و ترجمه ها، حتی درمورد بسیاری از آثار اصلی، همچنان محرومیم. حتی متونی اصلی از قبیل طبیعیات و الهیات الشفاء در همین سنوات اخیر به زبان انگلیسی در دسترس قرار گرفته است.

1. Avicenna

2. renaissance

3. Peter E. Pormann

درباب شخصیت‌های بزرگ، از قبیل افلاطون و آکویناس و کانت، چنان‌که انتظار می‌رود، متزایداً مجموعه‌ها، مدخل‌ها^۱ و کتاب‌های راهنما تدوین می‌شوند و این نشانی دیگر است از اینکه به‌طور نسبی ابن سینا مورد غفلت بوده است، تا بدان حد که تا این زمان مجموعه‌ای وجود ندارد که در آن متخصصین صاحب‌رأی کلیهٔ جوانب فکری او را بررسی کرده باشند. قصد ما در این مجلد آن است که این نقیصه را تدارک کنیم. مع‌هذا، این کار صرفاً مدخل و راهنمایی به تحقیقات و معلوماتی نیست که تاکنون در باب ابن سینا حاصل شده است بلکه، مطابق با اهداف مجموعه‌هایی از این دست، هر یک از مقالات این کتاب تلاش دارد معلومات ما را ارتقا دهد. اغلب چنین است که مؤلف به حیطه‌هایی که به تحقیق و کار نیاز دارد هم اشاره‌ای دارد (به آثار طبی او قبلاً اشاره شد). مثالی دیگر مواجههٔ یهودی و لاتین با ابن سیناست، که مساهمات انجام گرفته در اینجا نه فقط ما حاصل تحقیقات انجام شده^۲ را ارائه می‌دهد (و حتی پیش می‌برد)، بلکه مضاف بر آن نشان می‌دهد چه مسائلی همچنان باقی است.

این مجلد را با نگاهی بر کل مجموعه آثار ابن سینا، از دو منظر تکمیلی، افتتاح می‌کنیم. دیوید سی. رایزمن^۳ سیاق تاریخی و شخصی‌ای را توضیح داده است که ابن سینا در آن سیاق آثار خود را نوشت. اهم منابع در درک داستان زندگی ابن سینا زندگی‌نامه‌ای است که خود او تحریر کرد و شاگردش الجوزجانی آن را به اتمام رساند. همان‌طور که رایزمن اشاره کرده است، ابن سینا و الجوزجانی هر دو راویانی غیرموثق ارزیابی شده‌اند. مع‌هذا، نکات متعددی از این اثر مستخرج و واضح می‌شود. اولاً، برای ابن سینا، سعد و نحس ایام را دسترسی یا عدم دسترسی به قدرت سیاسی رقم می‌زد، بدان درجه که حیات دورهٔ بزرگ‌سالی او تقریباً به موازات سلسله‌ای از موفقیت‌های متفاوت در اتصال به حکام محلی بود. این مطلب ما را به نکتهٔ دومی مرتبط می‌سازد که رایزمن اشاره داشته است: خودآگاهی روشمندانهٔ عالی ابن سینا. او در تحریر و کتابت مخاطبین مختلفی را مدنظر داشته: شاگردان، حکام، مخالفان مجادل. این اوضاع مختلف ساختار و تعقید مباحث را در آثار مختلف وی معین ساخته است. نکتهٔ سوم که خود ابن سینا در زندگی‌نامه‌اش ذکر کرده است آن است که وی بدین توجه داشته که متفکری اصیل است و به نبوغ خود ملتفت بوده است.

1. companions

2. status quaestionis

3. David C. Reisman

این نکته از مقاله متعاقب، که دیمیتری گوتاس^۱ نوشته است، نیز معلوم می‌شود. او، با نظر به هدف و ساختار کلی فلسفه ابن سینا، به مجموعه آثار او توجه می‌کند: تحقق بخشیدن به علمی واحد، منسجم و جامع که تنها ارسطو آن را مطمح نظر خود ساخته بود. جوامع^۲ متشت و متعدد سینی - شامل مهم‌ترین اثر او یعنی الشفاء- به قصد اجرای این مقصود به انجام رسید. این کار نه فقط به قصد جبران نواقص نظام ارسطویی، بلکه به منظور ایجاد نظام جدید خاص سینی بود؛ احیاناً این به آن معنا بود که آرائی بدیع را وارد نظام ارسطویی کند، گاهی هم بدان معنی بود که ابن سینا در جهتی کاملاً جدید حرکت می‌کند. به موازات نظام جدید سینی، معرفت‌شناسی نوینی ظاهر شد که باید این نظام بر مبنای آن سنجیده می‌شد. چنان‌که گوتاس توضیح داده است، ابن سینا رأیی در باب «تأیید»^۳ طرح کرد که بر تجربه تأکیدی وافر داشت. نزد ابن سینا، فلسفه از حیث ساختار قیاسی است و لذا تماماً عقلی، مع الوصف بالمآل باید بر تجاربی از عالم خارج و تجاربی از درون خود ما مستقر گردد.

سخن از قیاس ما را به مقاله بعد می‌رساند که در باب منطق است. علی‌رغم آنکه ابن سینا از مهم‌ترین و باریک‌بین‌ترین چهره‌های تاریخ منطق است، تنها تعدادی اندک از محققان به این جنبه از آرای او و ماحصلش اشتغال یافته‌اند. تونی استریت^۴ در این زمره است. او در اینجا قیاس ابن سینا را مورد نظر قرار می‌دهد. به طور خاص، او بر موجهات متمرکز می‌شود، یعنی بر مفاهیم ضرورت، امکان و امتناع، و در اینجا می‌بینیم که ابن سینا از سنت ارسطویی فاصله‌ای تعیین‌کننده می‌گیرد. مورد جالب توجه قاعده «تبعیت از کبری»^۵ است. اگرچه قاعده مرسوم «تبعیت از اخس» می‌گوید که جهت نتیجه قیاس تابع اخس مقدمتین است (مثلاً نتیجه قیاسی که متشکل از مقدمه‌ای مقید به جهت ضرورت و مقدمه‌ای مقید به جهت امکان است صرفاً می‌تواند مقید به جهت امکان باشد)، اما ابن سینا معتقد است که در اینجا جهت تابع کبری مقدمتین است. ممکن است گمان رود که ابن سینا خطایی فاحش ارتکاب کرده است، لکن، چنان‌که استریت نشان می‌دهد، قاعده جدید بلا دلیل نیست؛ مثلاً اغلب موارد، ابن سینا منطقی را با نظری بر کاربردهای الهیاتی^۶ مطرح می‌کند. استریت این کاربردها را جست‌وجو می‌کند و همچنین مواجهه منطقیون مسلمان بعدی را با ایده‌های ابداعی ابن سینا بررسی می‌کند.

1. Dimitri Gutas

2. *summae*

3. verification

4. Tony Street

5. Rule of the Major

6. metaphysical

از اینجا به چهار مقاله بعدی منتقل می‌شویم که به فلسفه طبیعی ابن سینا می‌پردازد.^۱ مقاله‌ای که جان مک‌گینیس^۲ درباره طبیعیات به قلم آورده قالب بحث را طرح می‌کند. مک‌گینیس به همراه احمد هسناوی^۳ و سایرین سعی کرده‌اند ایده‌های ابداعی را در این بخش از مجموعه آثار ابن سینا نشان دهند.^۴ به سان منطق، در اینجا نیز طبیعتاً توجه به مواردی معطوف می‌شود که ابن سینا از ارسطو فاصله گرفته است. البته مفارقت ابن سینا از ارسطو را درخصوص اساسی‌ترین مفهوم طبیعیات ارسطویی، یعنی حرکت، ملاحظه می‌کنیم. به قول مک‌گینیس، تحلیل ابن سینا «تحلیلی عجیب و سهل است»: او ما را مجاز داشته که شیء را در «آن»^۵ متحرک بدانیم و نه در پاره‌ای از زمان.^۶ شاید ما این مطلب را واضح تلقی کنیم، لکن ارسطو در سماع طبیعی^۷ آن را مجاز ندانسته است. مک‌گینیس ایده‌های ابن سینا درباره انقسام و اصاغر طبیعی^۸ را نیز، هم از حیث امتداد و هم از حیث حرکت، مورد نظر قرار داده است. این نکات از قضا در فهم ارتباط ابن سینا با متکلمان معاصرش حائز اهمیت است.^۹ آرای ابن سینا در حوزه طب از اهم آرای وی است، مع الوصف اقل توجه بدان مبذول شده است. مساهمت پورمن گامی است در جهت جبران و تدارک این وضع. او کلام خود را با بحث از ارتباط بین طب و فلسفه نزد ابن سینا آغاز می‌کند. متعاقباً این موضوع را مورد تحقیق قرار می‌دهد که آیا می‌توان عنوان طبیب عملی بر ابن سینا اطلاق کرد و حدود این اطلاق چقدر است، یا اینکه او را باید صرفاً تنظیم‌کننده کتب تعلیمی طب بدانیم. اهمیت این پرسش نه صرفاً از حیث تاریخی، بلکه، مضاف بر آن، از حیث تأثیر آن در معرفت‌شناسی طبی ابن سیناست. پورمن نشان می‌دهد که ابن سینا در تأکید بر نقش تجربه در طب، مثلاً به منظور امتحان تأثیر دارو، از جالینوس متابعت می‌کند (و در اینجا ما ارتباط معنایی مهمی با مقاله گوتاس می‌یابیم). اگر، چنان‌که برخی مدعی‌اند، ابن سینا صرفاً بر سبیل ندرت به تجارب طبی عینی اشتغال می‌جسته است، این نکته از موارد طنزآمیز تاریخی خواهد بود. لکن پورمن این را نامحتمل می‌داند، زیرا ابن سینا در مکتوبات طبی‌اش ارجاعاتی مفصل و جزئی به تجارب خود دارد.

۱. به ترتیب، مقالات ۷، ۸، ۵ و ۴ در مجلد حاضر؛ رجوع کنید به توضیح سرپرست ترجمه در صفحات ۱۰ و ۱۱ [ویراستار].

2. Jon McGinnis

5. segment of time

3. Ahmed Hasnawi

6. Physics

4. instant

7. the minimum of natural bodies

بخش نهایی مطالعه پورمن ارتباط بین نظریه طبّی ابن سینا و تقریر مشهور او از «حواس باطنی» را مورد نظر قرار داده است که امکان انتقالی طبیعی را به دو مقاله آتی مهیا می‌سازد. دبوراً بلک^۱ و دگ نیکولاس هسه^۲ علم النفس ابن سینا و معرفت‌شناسی مرتبط با آن را در این فصول تفحص کرده‌اند. نقش محوری تجربه در معرفت‌شناسی ابن سینا غالباً در تعارض با نظریه عقل فعال او تلقی شده است. اگر ما از طریق افاضه عقل فعال علم داریم، چه حاجت به کسب علم از طریق تجربه است؟ و، بالعکس، اگر کسب علم از طریق تجربه است، چه جای تمسک به عقل فرا بشری است؟ هسه راه حل‌های ممکن مختلفی را در مقابل این مسئله بغرنج طرح می‌کند و توضیح می‌دهد که، علی‌رغم نظریه تجرید ابن سینا در باب علم، وجه حاجت به افاضه عقل فعال چیست. مضافاً، بلک توضیحات را پیش می‌برد و بیان می‌کند که به چه نحو حقایقی که از طریق تجربه جمع می‌شوند در قالب معرفت‌شناسی کلی تر ابن سینا قرار می‌گیرند. وی درجاتی از تیئن را تشخیص می‌دهد که منوط است به اینکه شخص به چه نحو به باوری فرارسیده است. تا حدود زیادی، به همان سان که بلک پیش‌تر در مطالعه‌ای درخصوص فارابی نشان داده است^۳، در اینجا نیز نشان می‌دهد که یقین، نزد ابن سینا، هم بعد ذهنی^۴ دارد و هم عینی. لہذا، دشوار بتوان او را به راحتی در زمره اینترنالیست‌ها دانست (که تأکید دارند شناسنده باید به زمینه‌هایی که براساس آن‌ها باور او شناخت محسوب می‌شود دسترسی داشته باشد) یا در سلک اکسترنالیست‌ها قرار داد (که منکر نگرش مذکورند).

الهیات ابن سینا (مشمتمل بر بحث او در باب خدا) محتملاً بیش از هر قسمتی از فلسفه او مورد تحقیق بوده است. مع‌ذلک، در اینجا نیز جای تحقیق بسیار وجود دارد، چنان‌که دو مقاله بعد این موضوع را نشان می‌دهد. استیفن من، علاوه بر نکات دیگر، نشان می‌دهد که ابن سینا در مقابل تفسیر فارابی و ابن عدی از مابعدالطبیعه ارسطو اتخاذ موضع می‌کند و به مفهوم بدیعش از وجود نائل می‌شود. من به تصویری جدید از ابن سینا که او را در مواجهه‌ای متفکرانه با مدرسه مشائی بغداد نشان می‌دهد شواهد و جزئیات قابل توجه و بیشتری اضافه می‌کند. لذا، رویکرد او در مقابل این گروه صرفاً فحاشی و ناسزا، چنان‌که در بخش رایزمن

1. Deborah Black

2. Dag Nikolaus Hasse

3. subjective

توصیف شده است، یا تعیین هویت به نحو سلبی^۱، بدان نحو که در قالب «مشرقیون در مقابل مغربیون» تعبیر می‌شود، نبوده است. در مقاله بعد که کار خود من است، جهتی دیگر از مابعدالطبیعه ابن سینا مطالعه شده است: الهیات فلسفی ابن سینا. حجت ابن سینا در اثبات وجود خداوند به نحوی شایسته مورد توجه بوده است. من تلاش کرده‌ام سؤالی دیگر را پاسخ دهم: چرا مطابق رأی ابن سینا واجب‌الوجود همان خدای خالق و معبود اسلام است؟

پس از ملاحظه اهم حوزه‌های فکری ابن سینا^۲، این مجلد را با سه مقاله درخصوص تأثیرات ابن سینا و مواجهه با او به اتمام می‌رسانیم. مؤلفان هر سه مقاله با منازعاتی بغرنج مواجه بودند، لکن رابرت ویزنوسکی^۳ مسئله‌ای لاینحل پیش رو داشته است. علی‌ای حال، مواجهه با ابن سینا در عالم اسلام تقریباً همان کل جریان فلسفه‌ای است که متعاقب وی در عالم اسلام جریان داشته است. ویزنوسکی، در آغاز بحثش، با نقلی از فیلسوف قرن نوزدهم و بیستم، محمد عبده، که آرای ابن سینا برایش همچنان معتبر است، بر این نکته تأکید می‌کند. ویزنوسکی زمینه‌های نسبتاً زیادی را بررسی می‌کند و این کار را از طریق طرح این پرسش انجام می‌دهد که کدام یک از متون و مضامین سینیوی محل توجه شارحان و ناقدان او در طی نسل‌های متمادی بوده است. در مقابل، گد فرویدنتال^۴ و مائورو زونتآ^۵ نشان می‌دهند که مؤلفین یهودی، در کمال تعجب، کمتر با متون ابن سینا مواجهه دقیق و مفصل داشته‌اند. ایشان توضیحاتی را برای این مسئله طرح کرده‌اند و نیز نشان داده‌اند که مع‌الوصف ابن سینا تأثیراتی بسیار (البته غالباً به واسطه) بر فکر یهودی داشته است.

مقاله انتهایی، به قلم آموس برتولاچی^۵، مواجهه سنت لاتین با ابن سینا را منظور داشته است. اهمیت این موضوع محل بحث و مناقشه نیست. به واقع، تا زمانی که چندان دور که تحقیقات اروپایی درخصوص ابن سینا اولاً منبعت از اهمیتی بود که ابن سینا به عنوان منبعی برای شخصیت‌هایی از قبیل آکویناس داشت. برتولاچی بر الهیات الشفاء (در لاتین *philosophia prima*) تمرکز داشته است و نشان می‌دهد که نخستین تأثیری که ابن سینا بر عالم مسیحی لاتین داشته در سه مرحله بوده است و به استفاده‌ای پیچیده توسط آلبرتوس کبیر منتهی شده است. آنچه داستان را پیچیده‌تر می‌کند آن است که ابن رشد

1. negative self-definition

2. Robert Wisnovsky

3. Gad Freudenthal

4. Mauro Zonta

5. Amos Bertolacci

و غزالی نیز ترجمه شده و به موازات ابن سینا خوانده می‌شدند. از طنزهای تاریخ فلسفه آن است که مُطالعان^۱ لاتین غزالی را، در اصل، به مؤلف مقاصد الفلاسفه می‌شناختند، کتابی که خلاصه‌ای است از تعالیم سینیوی و لذا، برای این مطالعان، غزالی در زمره اتباع ابن سینا محسوب می‌شد و، در مقابل، ابن رشد به عنوان ناقد و رقیب اصلی ابن سینا به شمار می‌آمد. من بر این نکته تأکید داشته‌ام که در مطالعات ابن سینا چه میزان کار باقی است. این تأکید تا قسمتی بدان جهت است که قصد این مجلد دعوت به کارهای بیشتر بر مجموعه آثار ابن سینا و سنت سینیوی و تسهیل آن است. لکن مجدداً باید این نکته را مورد تصدیق قرار داد که، علی‌رغم رخنه‌هایی که در فهم ما از ابن سینا وجود دارد، او در زمره معدود متفکران مسلمان کلاسیک است که مورخین تاریخ فلسفه توجهی اساسی بدو داشته‌اند. حداقل به شکلی گسترده این نکته مورد اذعان است که ابن سینا در کنار کندی، فارابی، غزالی و ابن رشد در زمره متفکرین اصلی قرون وسطاست. این نکته درخصوص سایر شخصیت‌هایی که شایسته همین توجه‌اند صادق نیست: فی‌المثل ابن عدی، سهروردی یا فخرالدین رازی. نام و آثار ایشان، در خارج از حلقه نسبتاً محدود متخصصین (که البته در حال بسط و توسعه است)، شهرتی ندارد. این حیطه‌ای است که جاذبه‌اش نه فقط در آثار فاخری که تاکنون انجام شده (همان‌طور که به مقدار معتنا بهی در مطالعاتی که در اینجا گرد آمده است نشان داده شد)، بلکه همچنین در این واقعیت است که نسل‌هایی از محققان که فرا خواهند رسید دیگر صعوبتی در یافتن مضامین، متون و مؤلفانی که باید مورد مطالعه قرار گیرند نخواهند داشت. صرف نظر از اینکه تحقیقات ایشان چه نوع بصیرت جدیدی به ارمغان آورد مسلم به نظر می‌رسد که نسل‌های آتی نیز ابن سینا را فیلسوف محوری در عالم اسلام خواهند دانست.